

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

غیرت بین شریعت و واقعی

مؤلف: ابراہیم بن محمد الحقیل

مترجم (با اندکی تصرف): پدram اندایش

نام کتاب: غیرت بین شریعت و واقعیت

مؤلف: ابراهیم بن محمد الحقیل

مترجم (با اندکی تصرف): پدرام اندایش

ناشر: بوکان - انتشارات

نوبت چاپ: اول - پاییز ۱۳۹۶

چاپ: بوکان - رامان

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ریال

کلیه حقوق چاپ و نشر برای مؤلف محفوظ است.

بسم الله الرحمن الرحيم

شکر و ستایش برای الله پروردگار جهانیان است. گواهی می‌دهم که معبود و پرستش شونده‌ی برحقى جز الله وجود ندارد، یکتا و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که محمد بنده و فرستاده‌ی او می‌باشد، صلی الله و سلم و بارک علیه و علی آله و صحبه أجمعین.

اما بعد: از اخلاق مردم اصیل، خصلت غیرت است و این حتی در عرب جاهلیت نیز وجود داشت که توسط آن شناخته می‌شدند، در آن افراط می‌کردند و غلو می‌نمودند و به آن شدت عمل می‌دادند و از حد دینی آنها تجاوز می‌کردند تا آنجا که از ترس خوار شدن دخترانشان را زنده بگور می‌کردند.

اسلام آمد و به اصالت غیرت اقرار کرد، ولی آن را نیکو گرداند و در حد اعتدال قرار داد و آن را بین افراط و تفریط و بین زیاده روی و کم روی قرار داد.

کم بودن غیرت از کم بودن ایمان است، زیرا مؤمن غیرتمند می‌باشد، وقتی کسی به او تعلق می‌یابد برایش غیرت نشان می‌دهد و وقتی حرامهای الله تعالی مورد دست درازی قرار می‌گیرد برای الله تعالی غیرت نشان می‌دهد، شیخین از ابوهریره رضی الله عنه آورده‌اند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «إِنَّ اللَّهَ يَغَارُ، وَإِنَّ الْمُؤْمِنَ يَغَارُ، وَغَيْرَةُ اللَّهِ أَنْ يَأْتِيَ الْمُؤْمِنَ مَا حَرَّمَ عَلَيْهِ» (الله غیرت می‌ورزد و مؤمن غیرت می‌ورزد و غیرت الله وقتی برانگیخته می‌شود که مؤمن کاری را انجام دهد که بر او حرام است). [رواه البخاری (بخارایی): ۵۲۲۳، و مسلم ۲۷۶۱]، در صحیحین و با لفظ مسلم از ابن مسعود رضی الله عنه آمده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «لَيْسَ أَحَدٌ أَحَبَّ إِلَيْهِ الْمَدْحُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ مَدَحَ نَفْسِهِ، وَلَيْسَ أَحَدٌ أَغْيَرُ مِنَ اللَّهِ، مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ حَرَّمَ الْفَوَاحِشَ، وَلَيْسَ أَحَدٌ أَحَبَّ إِلَيْهِ الْعَذْرُ مِنَ اللَّهِ، مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ أَنْزَلَ الْكِتَابَ وَأَرْسَلَ الرِّسْلَ» (کسی بیشتر از الله صلی الله علیه و آله مدح را دوست نمی‌دارد، به همین جهت خودش را مدح نموده است

غیرت بین شریعت و واقعیت // ۳

و شخصی با غیرت تر از الله نمی‌باشد و به همین جهت بی‌بندباری را حرام نموده است و کسی بیشتر از الله [تعالی] عذر را دوست نمی‌دارد، به همین جهت کتاب نازل فرموده است و رسولان را فرستاده است. [رواه البخاری (بخارایی): ۵۲۲۰ و مسلم: ۲۷۶۰].

* مؤمن غیرتمند می‌باشد: از صفات مؤمنان غیرتمندی است و وقتی از حرامهای الله تعالی، هتک حرمت صورت می‌گیرد، غیرت آنها برانگیخته می‌شود و برای محرمهای خود وقتی به آنها اختصاص می‌یابند، غیرت نشان می‌دهند و پیامبر ﷺ غیرتمندترین مردم بوده است، سپس بعد از وی صحابه‌ی او رضی الله عنهم و أرضاهم.

در صحیح مسلم (۱۴۹۸) از ابوهریره رضی الله عنه آمده است که سعد بن عبادہ رضی الله عنه گفت: «ای رسول الله! اگر نزد اهل‌م مردی را یافتیم، نباید با او کاری کنیم، مگر آن که چهار شاهد بیاورم؟». رسول الله ﷺ فرمود: «نعم» (بله). گفت: «هرگز این گونه

نیست، قسم به کسی که تو را از روی حق مبعوث فرموده است به او مهلت نمی‌دهم و با شمشیر آن مرد را می‌زنم». رسول الله ﷺ فرمود: «اسمعوا إلی ما یقول سیدکم ، إنه لغبور ، وإنی لأغیر منه ، والله أغیر منی» (به آنچه سرورتان می‌گوید، گوش دهید! او غیرت دارد و من از او باغیرت تر هستم و الله از من باغیرت تر است).^۱

شیخ الإسلام ابن تیمیہ رحمہ الله تعالی گفته است: «پیامبر ﷺ بیان فرموده است که او از مؤمنان با غیرت تر است و مؤمن غیرت می‌ورزد و الله [تعالی] غیرت را دوست می‌دارد و آن در امور ناپسند است و کسی که غیرت نداشته باشد، او دیوث است». در حدیث آمده است: «لا یدخل الجنة دیوث» (دیوث داخل بهشت نمی‌شود). [رواه أحمد: ۱۲۸/۲]؛ غیرتی

^۱ - این در حالی است که او می‌دانست اگر چهار شاهد نیاورد و آن مرد را بکشد، حکم قصاص قتل بر او اجرا می‌شود. (مترجم)

غیرت بین شریعت و واقعیت // ۵

دوست داشتنی است که بر اساس غیرت الله تعالی باشد و این غیرت وقتی به جوش می‌آید که حرامهای الله تعالی مورد هتک حرمت قرار می‌گیرند و آن وقتی است که بی‌بندوباری، آشکارا و پنهانی صورت می‌گیرد.

غیرت بنده وقتی خاص می‌شود که آن غیرت برای خانواده‌ی او بجوش می‌آید؛ غیرت او از بی‌بندوباری اهلش به مانند غیرت او بر بی‌بندوباری دیگران نمی‌باشد؛ زیرا آن امری است که به او متعلق می‌باشد؛ آن وقتی صورت می‌گیرد که به چیزی خشم نشان داده می‌شود که الله تعالی از آن خشم می‌نماید و به همین دلیل غیرت داشتن بر خانواده بر او واجب می‌شود و بزرگترین آن برای همسر است و بعد از او نزدیکان دیگر. شامل کسانی می‌باشد که تحت اطاعت او می‌باشند، به همین دلیل اگر همسرش زنا کند، می‌تواند، مراسم ملاعنه را

انجام دهد^۱، زیرا برای او ضرری ایجاد شده است و این برخلاف زناى شخص دیگری غیر از همسرش می‌باشد». [الاستقامه ۷/۲].

* انواع مردم در مورد غیرت داشتن: شیخ الإسلام رحمه الله تعالى فرزندان آدم را در غیرت داشتن به چهار دسته تقسیم نموده است:

۱- افرادی که بر حرامهای الله تعالى غیرت ندارند و نسبت به محارم نیز بی‌غیرت هستند، به مانند شخص دیوث می‌باشند و کسانی هستند که اهل اباحه‌گری می‌باشند، آنچه را که الله تعالى و فرستاده‌اش حرام نموده‌اند را حرام نمی‌دانند و به دین حق التزام پیدا نمی‌کنند و بعضی از آنها این کار را دین و روش قرار داده‌اند: «وَإِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا وَاللَّهُ أَمَرَنَا بِهَا قُلْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ اتَّقُوا لَنَ عَلَى

۱ - اشاره دارد به آیات ۶ تا ۹ سوره‌ی النور. (مترجم)

اللَّهُ مَا لَنَا تَعْلَمُونَ ﴿۲۸﴾ [الاعراف: ۲۸] (و وقتی عمل فاحشه‌ای را انجام می‌دهند، می‌گویند: «پدران خود را بر آن یافتیم و الله [تعالی] ما را به آن امر نموده است». بگو: الله به فحشاء امر نمی‌کند، آیا بر الله چیزی را نسبت می‌دهید که به آن آگاهی ندارید؟).

۲- گروهی که بر آنچه را که الله تعالی حرام فرموده است و به آن امر نموده است، غیرت می‌ورزند و آن از نوع دوست داشتن و کراهت ورزیدن می‌باشد و آن را غیرت معرفی می‌کنند؛ از بین آنها کسی پیدا می‌شود که بر اموری که الله تعالی و رسولش دوست می‌دارند، کراهت می‌ورزد و بعضی از آنها، آن را راه و دینی قرار داده است. حسادت و ممانعت از راه الله تعالی و آنچه را الله متعال و فرستاده‌اش دوست نمی‌دارند را غیرت می‌دانند.

۳- گروهی که به آنچه الله تعالی به آن امر نموده است، غیرت می‌ورزند، بدون آن که به آنچه که حرام نموده است،

غیرت نشان دهند و آنها را در حالی می بینیم که در فواحش غرق شده اند و به آن بغض نمی ورزند و از آن کراهت ندارند؛ همان گونه که الله تعالی می فرماید: ﴿فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غِيًّا﴾. [مریم: ۵۹] (در پس آنها کسانی آمدند که نماز را ضایع کردند و از شهوات تبعیت نمودند و آنها در [مکان] شرّ واقع خواهند شد).

۴- گروهی که بر آنچه الله تعالی کراهت دارد، غیرت می ورزند و آنچه را که الله متعال دوست دارد را دوست می دارند. آنان اهل ایمان هستند». [الاستقامه ۹/۲ - ۱۰].

✱ آنچه که باعث ناقص شدن غیرت می شود: گناهان و مصیبت ها باعث ناقص شدن غیرت و از بین رفتن آنها می شود؛ به همین دلیل با غیرت ترین مردم با تقواترین آنها نسبت به الله تعالی می باشد و غیرت بنده به اندازه ی کم شدن تقوای او کم می شود.

علامه ابن قیم رحمه الله تعالی گفته است: «از مجازاتهای گناه کردن: خاموش شدن غیرت در قلب است که همان غیرتی است که زندگی و خیر و صلاح بنده می‌باشد، همان طور که حرارت بدن دلیلی بر زنده بودن تمامی بدن او را دارد، حرارت و آتش غیرت همان چیزی است که خباثت و صفات نکوهیده را از انسان پاک می‌گرداند، همان گونه که کوره‌ی آهن‌گری طلا، نقره و آهن را از ناخالصی‌ها پاک می‌گرداند.

باشرفترین مردم و بهترین و بالاترین آنها در همت همان کسی است که بیشتر از بقیه مردم بر خودش و بر خانواده‌اش و بر عموم مردم غیرت می‌ورزد و به همین دلیل پیامبر ﷺ با غیرت‌ترین آفریده در بین امت بود و الله سبحانه از او دارای غیرت بیشتری می‌باشد...

- تا آنجا که گفته است: - در عده‌ی بسیاری از آفریدگان که غیرت آنها شدت می‌یابد، آن را این گونه می‌بینند

که بر مجازات نمودن شخص عجله نمایند، بدون آن که برای او عذری بیاورند و از کسی که از آنها عذر بیاورد، از او قبول نمی‌کنند و این در حالی است که آن شخص عذر دارد، ولی شدت غیرت باعث قبول نکردن آن عذر می‌شود.

عده‌ی زیادی نیز هستند که عذرها را قبول می‌کنند و چیزی را عذر می‌دانند که آن عذر نمی‌باشد تا آنجا که عده‌ی زیاد از آنها به بهانه‌ی تقدیری بودن گناه آن را عذر می‌آورند. هر دوی این دو گروه ستوده نیستند... فقط شخص ستوده کسی است که غیرت او با عذر آوردن همراه باشد. در جای خود غیرت بورزد و در جای خود عذر را قبول کند و در این صورت است که شخص حقیقتاً ستوده می‌باشد». [الداء والدواء: ۱۰۸].

همچنین گفته است: «منظور این است که هر چه شخص بیشتر خود را در گناه بیاندازد، غیرت بر خودش و خانواده‌اش و عموم مردم از قلبش بیشتر خارج می‌شود و آن در قلب وی

به طوری اثر می‌گذارد تا آنجا که دیگر امر زشتی را زشت نمی‌بیند، نه برای خودش و نه برای دیگران. وقتی به این حد می‌رسد به هلاکت می‌افتد. عده‌ی زیادی از آنها برای زشت بودن امری از آن خودداری نمی‌کنند، بلکه بی‌بندباری و ظلم به دیگران برای آنها نیکو جلوه می‌کند و برای او زینت می‌یابد و به سوی آن دعوت می‌دهند و به آن تشویق می‌کنند و برای انجام آن کوشش می‌نمایند. به همین دلیل دیوث، خبیث‌ترین مخلوق الله تعالی می‌باشد و بهشت بر او حرام است و این چنین است حال افرادی که ظلم و ستم به دیگران را برای خود حلال می‌دارند و آن اعمال نادرست نزد وی زینت داده می‌شود؛ [با توجه به مطالب بیان شده] بنگرید که کم بودن غیرت باعث چه می‌شود و این در حالی است که اصل دین به غیرت داشتن دلالت دارد و کسی که غیرتی ندارد، دینی ندارد؛ غیرت به قلب حرارت می‌دهد و اعضای بدن را به حرکت می‌اندازد و بدی و بی‌بندباری را دفع می‌کند و عدم غیرت

باعث مردن قلب و در نتیجه‌ی آن، مردن اعضای بدن می‌شود، تا آنجا که شخص کوچکترین مقاوتی برای دفع آن انجام نمی‌دهد. مثال غیرت برای قلب، به مانند قدرت و توانی است که مریضی و بیماری شخص را دفع می‌کند، وقتی قدرت از بین می‌رود، بیماری صورت می‌گیرد و برای آن دفع کننده‌ای نخواهد بود و هلاکت ایجاد می‌شود». [الداء والدواء: ۱۱۰].

✽ منفعتهای غیرت و اهمیت آن: غیرتی که بر اساس میزانیت دین باشد، سبب خیر و دفع شر است و باعث سرکوب شدن اهل شک و فساد می‌باشد؛ ابوبکر رضی الله عنه وقتی مرتدان مرتد شدند و از دادن زکات خودداری کردند، خشمگین شد... او رضی الله عنه خشمگین شد و در حالی که سعی می‌نمود، خود را خونسرد کند، به عمر رضی الله عنه گفت: «ای عمر! آیا زورگویان در جاهلیت، کوتاهی کنندگان در اسلام می‌باشند؟!» و سخنی را گفت که چراغی برای روشنایی گردید: «قسم به الله، اگر زانو بند شتری را به من ندهند و این در حالی است که آن را به رسول الله صلی الله علیه و آله

می‌دادند، برای آن با آنها جنگ خواهم نمود». [رواه البخاری (بخاری): ۷۲۸۴، ومسلم: ۲]، این غیرت برای الله تعالی است و به واسطه‌ی آن با مرتدان جنگ نمود و توسط آن اسلام را عزت بخشید.

در اینجا است که ابوبکر رضی الله عنه نمونه‌ای صالح و الگویی نیکو برای بنده‌ی باغیرتی است که بر دین الله تعالی غیرت می‌ورزد، برای انجام حق محکم است و به نیکی امر می‌کند و از بدی نهی می‌نماید و به مانند بسیاری از مردم نبوده است که مشاهده می‌کنند که از حرمت‌های الله تعالی، به صورت آشکار و در دید مردم، هتک حرمت صورت می‌گیرد و برای الله تعالی غیرت به خرج نمی‌دهند. بنگرید حال کسی که مردم از حرمت آن شخص پرده بر می‌دارند و او غیرت پیدا نمی‌کند!! از آن به الله تعالی پناه می‌بریم.

حدهای سنگسار و شلاق و تبعید برای زنا نمودن فقط برای این است تا از این هتک حرمت‌ها از ناموس‌ها، ممانعت به

عمل آید و حرام بودن نگاه کردن به نامحرم برای حفظ شدن ناموس می باشد و شلاق زدن به کسی که تهمت زنا زده است، برای این وضع شده است که از تهمت زدن به زنان پاک و عقیف جلوگیری شود تا آنها از زبان افراد تهمت زن و نافرمان حفظ شوند و مراسم ملاعنه فقط برای حفظ شدن غیرت مرد بر خانواده اش می باشد و نباید از روی شک نمودن از انجام حدود خودداری نمود.

تمامی این قوانین وضع نشده اند، مگر برای منزلت دادن به ناموس و اهمیت آن در دین الله تعالی. ولی حال مردم درباره ی این حرمت های بزرگ چگونه است؟ مقدار غیرت در برابر کانالهای ماهواره ای خبیثی که فساد و اباحه گری را انتشار می دهند به چه اندازه است و همچنین در برابر مجله های که راهی به سوی فاحشه گری هستند؟ وضع پسران و دختران بالغی که در یک اتاق با هم خلوت می کنند و به ماهواره نگاه می کنند، چگونه است! قسم به الله بزرگتر از آن

است که با زبان بتوان آن را بیان داشت و زشتی آن را توصیف نمود و برای آن عذر آورد. چگونه خواهد بود، جواب صاحب خانه‌ای که آتش جهنم و خوار شدن را در جلوی پسران و دخترانش قرار می‌دهد؟

سخن من درباره‌ی منافقان نمی‌باشد؛ الله تعالی درباره‌ی آنها می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا﴾، [النور: ۱۹] (همانا کسانی که دوست دارند بی‌بندوباری در بین کسانی که ایمان آورده‌اند گسترش یابد...؛) برای آنها امکان ندارد که عدالت را رعایت کنند و مفاهیم را بفهمند و بی‌بندوباری را کنار بگذارند و دارای تمدن و بزرگی شوند و بتوان غیرت آنها را توصیف نمود و ناموسها را از بند و زنجیر آنها در امان داشت. بلکه صحبت من فقط با کسانی است که اهل ایمان و فطرت سالم می‌باشند، همان غیرتی که از بی‌بندوباری حفظ می‌کند و از حلال کردن آن جلوگیری می‌نماید. ولی عمل ننمودن به آن، با به دنبال خباثت‌ها رفتن و تقلید

نمودنی جدای از هدایت، در بین غفلتِ غافلان وجود دارد. می‌پندارند که امر سهل و آسان است و در آن بهره‌مندی و آرامش فرزندان وجود دارد و این در حالی است که امر برای آنها آشکار می‌شود و خباثت و پلیدی آن، جلوی آنها قرار می‌گیرد، [طولی نمی‌کشد که] خواهند فهمید. بلکه باید به حق بازگشت و به سوی الله تعالی رجوع شود و توبه‌ای صورت گیرد که باعث پاک شدن خانه از اسلحه‌ی جنگجویان فساد و فاحشه‌گری شود و از ناموسها محافظت شود و بر محرم‌ها غیرت روا داشته شود. این گمانی است که برای آنها باید به تحقق برسد که الله تعالی و فرستاده‌اش ﷺ را اجابت کنند و راه‌های شیطان و فحشاء بسته شود. همان طور که الله تعالی آنها را مورد ندا قرار داده و می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ﴾، [النور: ۲۱] (ای کسانی که ایمان آورده‌اید از راه‌های شیطان تبعیت نکنید و کسی که از راه‌های

شیطان تبعیت کند، [باید بداند که] او به بی‌بندباری و امور زشت امر می‌نماید).

چه کسی دارای نفس قوی‌تری در برابر هوای نفس و شیطان می‌باشد و چه کسی در برابر آن دو، ناتوان‌تر و ترسوتر است و در شرّ آن مداومت به خرج می‌دهد، «مؤمن قوی‌ب‌تر و محبوب‌تر نزد الله تعالی از مؤمن ضعیف می‌باشد».

از الله سبحانه و تعالی درخواست می‌نمایم تا خانه‌های ما را از فساد و سستی و قلبهای ما را از انحراف و گمراهی حفظ نماید و با هدایت نمودن ما بر ما منت نهد و عمل ما را در جلب رضایتمندی خود قرار دهد و ما را به سوی راه راست هدایت نماید و ما را از پیمودن راه شیطان و کمک کردن به وی باز دارد؛ همانا او شنوای اجابت‌کننده است و الحمد لله رب العالمین و صلی الله و سلم و بارک علی عبده و رسوله محمد و علی آله و صحبه أجمعین.